

تاریخ هنر ایران و جهان

تألیف و ترجمه: فرهاد گشایش
نشر عفاف، ۱۳۷۸

مذهبی و گرایش رومیان به بازنمایی و شبیه‌سازی کاملاً طبیعی و واقع‌گرایانه آن که در تضاد با آرمان‌گرایی هلنی است مورد بحث قرار گرفته است.

نویسنده در ادامه بررسی هنر غرب، به هنر صدر مسیحیت و شباهت آن با هنر رومی، هنر بیزانس به عنوان هنری مسیحی و مذهبی و پر رمز و راز و هنر رومانسک، هنر گوتیک و معماری آن اشاره می‌کند. قوس‌های نوک تیز، پشت‌بند‌های اوج کشیده، تزیینات شبکه‌ای و پیچیدگی ترکیب‌بندی‌ها و اجتناب از نمادپردازی سبک رومانسک و همچنین هنر رنسانس، رنسانس شمال و منریسم به عنوان هنر تقلیدی و تصنعی و سبک باروک با تأکید بر حرکت و پویایی از مباحث دیگر هنر در غرب است.

تحت عنوان هنر شرق نیز هنر چین و انسجام و پیوستگی آن و تأثیر کیش و آیین بودایی بر این هنر و همچنین هنر ژاپنی و معماری خاص آن در مرقد‌های شیتو و پیوند معماری ژاپنی با محیط اطراف و... بررسی می‌شود

سپس به هنر اسلامی پرداخته می‌شود که می‌توان به مواردی از جمله: هنرهای تزیینی و آثار معماری دوره امویان، ساخت منبر و تزیینات کنده‌کاری روی چوب در دوره عباسیان، آجرکاری و سفالگری دوره فاطمیان مصر، معماری اسپانیا، سفالگری ترکان عثمانی و رونق آثار کتابت و مینیاتور و... اشاره کرد.

در بخش پایانی ابتدا هنر ایران باستان و تقسیم مناطق فرهنگی فلات ایران، آثار معماری دوران هخامنشی، هنر اشکانی (پارت) و شیوه‌های ساختمانی رایج آن، طرح شهرهای اشکانی به شکل دایره، نقاشی روی دیوار و وحدت مضامین و نقوش ساسانی مورد توجه قرار گرفته است. سپس هنر ایران از صدر اسلام تا سلجوقیان و سبک‌های ساختمانی و عناصر عمده آن، هنر سلجوقی و سبک جدید معماری مساجد و نقشه چهار ایوانی هنر ایلخانی و شکوفایی نقاشی و مکتب‌های بغداد و تبریز نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. هنر دوره تیموری و معماری با کاشی معرق، دوره صفوی و حضور بهزاد و مکتب صفوی، مکتب رضا عباسی و مکتب اصفهان و معماری این دوره و در نهایت نیز هنر زندیه و قاجار و شهرت معماری این دوره به لحاظ دروازه‌ها و سردرها و ورودی‌های عظیم مزین به کاشیکاری و گچبری و... از نکاتی است که نویسنده به آنها پرداخته است.

وقایع‌نگاری تاریخ هنر ایران و تجزیه و تحلیل آمار و طبقه‌بندی شده تمدن‌ها و دوره‌های تاریخی ایران از حدود هزاره‌های دهم قبل از میلاد تا زمان معاصر و فهرست بناهای تاریخی و باستانی قسمت پایانی کتاب را تشکیل می‌دهد.

اثر حاضر در قطع وزیری و ۳۱۸ صفحه با شمارگان ۵۰۰۰ جلد و قیمت ۱۶۰۰ تومان منتشر شده است.



شناسایی و درک سیر تحول هنر و آثار هنری از پیش از تاریخ تا دوره متأخر در مجموعه‌ای فشرده و جامع و با بیانی ساده که بتواند برای همه علاقمندان به تاریخ هنر سودمند باشد و زمینه مطالعات عمیق‌تر آنان را فراهم سازد، عمده هدف، جهت نگارش کتاب بوده است.

اثر حاضر تحت عناوین کلی هنر جهان باستان، تاریخ هنر در غرب، هنر شرق، هنر اسلامی و تاریخ هنر ایران، کوشیده است اطلاعاتی مفید در مورد هر دوره به خواننده بدهد.

نویسنده تحت عنوان هنر جهان باستان، به هنر پیش از تاریخ، اهمیت نقاشی‌ها، کنده‌کاری، پیکر تراشی و نقاشی سومری، آثار برجسته و نقش برجسته‌های هنر بین‌النهرین و اوج این هنر در مقابر و معابد تمدن مصری و... پرداخته است.

در بررسی هنر در غرب به هنر اژه‌ای، هنر یونان و دوره‌های مختلف آن اشاره کرده و نقش ستون‌ها در معماری و طبقه‌بندی سبک معماری یونانی بر حسب نوع ستون‌ها و سرستون‌های آن، معماری معابد و تلفیق هنر معماری و پیکر تراشی و غیره را مورد توجه قرار می‌دهد.

هنر اتروسکی و تلفیق اندیشه‌ها و آیین‌ها، تلفیق هنرهای شرقی و غربی، رویکرد واقع‌گرایانه و همچنین تلفیق سبک‌های یونانی با شیوه بومی خود بررسی می‌شود. سپس هنر رومی و ابداع معماری طاقی در ابعادی بزرگ برای مکان‌های عمومی، خصوصی،

که پوشاک ساحل نشینان جنوب کشور را در بردارد. پوشاک این گروه از یک سوی متأثر از اقوام برون ایران چون عرب‌ها و هندی‌هاست و از سوی دیگر از نواحی همجوار داخلی کشور نیز تأثیر می‌پذیرد.

از نظر گاه ضیاءپور، دسته پنجم شامل پوشاک بلوچ‌هاست. پوشاک بلوچ‌ها متأثر از همجواری با سراسر منطقه جنوب شرقی و مناطق بلوچ‌نشین ایران (چون سیستان و جنوب خراسان) و در غرب تا به سوی بنادر و مرز کرمان می‌باشد (ص ۱۶۸) و همگونگی بسیاری با این نواحی دارد.

پوشاک خراسانی‌ها به عنوان ششمین دسته معرفی می‌شود. «اصیل‌ترین پوشاک خراسانی‌ها را همان مردم شرق خراسان (از خواف تا تربت جام) دارند و بقیه ساکنان این سرزمین (چون بیشتر مردم سبزوار، نیشابور، کاشمر، گناباد و قاینات) از پوشاک مذکور فقط عمامه را برداشته‌اند و با کت و شلوار معمول روز، پوشاکی میانه و رابط به وجود آورده‌اند و بانوان‌شان نیز، یا چارقدی به سر دارند (که به وسیله دستمالی از نوع یزدی آن را از پیش روی سر به عقب «چون بانوان سبزواری» بسته می‌دارند) و یا، کم و بیش پیرو «مدرودند» (ص ۱۸۷)

هفتمین گروه از پوشاک مورد بررسی، پوشاک ترکمان‌هاست. «در بخش شمال غربی خراسان و مشرق گرگان (استرآباد سابق) ایل‌هایی از ترکمانان با نام‌های گوناگون زندگی می‌کنند که پوشاک و تزیینات مخصوص دارند و پوشاکشان از لحاظ برش ساده ولی چشمگیر است و بیش از پوشاک، تزیینات بانوان ترکمن است که شگفت‌آور می‌باشد.» (ص ۱۹۹)

اما پوشاک مردم گیلان و مازندران مردمی که در کناره جنوبی دریای مازندران سکونت دارند در مناطقی چون مازندران، تنکابن، گیلان و طالش پوشاک همگونی بر تن می‌کنند و می‌توان از آنان به عنوان گروه پوشاکی واحد نام برد. در بخشی از این نواحی چون مناطق کوهستانی گیلانی یا پوشاک متفاوتی نسبت به دیگر نواحی روبرو می‌شویم. (ص ۲۲۲)

کتاب «پوشاک ایل‌ها، چادرنشینان و روستاییان ایران» به معرفی و شناسایی پوشاک در آذربایجان شرقی و خوزستان نیز می‌پردازد. در منطقه آذربایجان شرقی (که استان اردبیل را نیز در زمان تحقیق شامل می‌شد) می‌توان اختلاطی از پوشاک اقوام ایرانی چون گیلانیان، قشقایی‌ها، بختیاری‌ها، کرمانشاهان و... مشاهده نمود. (ص ۲۲۵). وضعیت پوشاک در نزد مردم خوزستان با توجه به آنکه این منطقه از قدیم معبر اقوام دور و نزدیک و بارانداز طوایف مختلف بوده و با اقوام مختلف ایرانی در نواحی همجوار خویش تماس داشته است، غنا و تنوع قابل تأملی دارد. از این روی پوشاک مردم این ناحیه «دائماً در حال تقلید و تبدیل بوده و نیز چه بسا که به علت فعالیت‌های وسیع نساجی (که در شهرهای مهم این سرزمین وجود داشته) نفوذ سلیقه داشته‌اند.» (ص ۳۶۱) جلیل ضیاءپور دو فصل پایانی کتاب خویش را به اقلیت‌های مذهبی ایران اختصاص می‌دهد و از میان آنها زرتشتیان و ارامنه را برمی‌گزیند. او پوشاک زرتشتیان را در تهران، یزد و کرمان معرفی نموده و با توجه به آثار برخی از سیاحان چون مادام